

## تأثیر نهادهای سیاسی در سلامت و فساد اداری افغانستان

غلام نبی شریفی\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیر نهادهای سیاسی افغانستان در ارتباط با سلامت و فساد اداری می‌پردازد. هرچند فساد اداری معلول عوامل مختلفی می‌باشد اما پیش فرض این نوشتار این است که نهادهای سیاسی در ساختار نظام سیاسی افغانستان نقش کلیدی در ایجاد سلامت اداری و هم در گسترش فساد اداری دارند. یکی از مشکلات اساسی فرا روی حکومت و دولت افغانستان وجود فساد اداری گسترده در این کشور می‌باشد که امروزه به یکی از موانع بزرگ در راه پیشرفت و انکشاف این کشور تبدیل شده است. قدر مسلم آن است که سلامت اداری مرهون سازمان‌های نظام‌مند و نیروی انسانی با کفایت و کارآمد می‌باشد و رمز موفقیت یک کشور در راستای توسعه در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، داشتن نیروهای انسانی شایسته از یک سو و برخوردار بودن از سازمان‌ها و نهادهای مدرن، سالم و ساختار نظام اداری منسجم از سوی دیگر می‌باشد. به‌طور مثلث از نظر حقوقی سه عامل یعنی سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و سیستم قضایی در یک جامعه کمال آن‌ها باعث کمال نظام اداری و نقض آن‌ها منجر به فساد و رکود نظام اداری می‌شود، زیرا ادارات و سازمان‌ها مجریان تصمیمات نهادهای سیاسی می‌باشند، ضعف سیاست‌ها و تصمیمات نهادهای سیاسی منجر به ضعف ادارات دولتی می‌شود، لذا بررسی نقش نهادهای سیاسی افغانستان در سلامت و عدم سلامت اداری بسیار حائز اهمیت می‌باشد که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** نهاد، نهاد سیاسی، اداره، فساد اداری، سلامت اداری، افغانستان.

## مقدمه

فساد اداری و آلوده شدن کارگزاران نظام‌اداری و کارکنان سازمان‌های مختلف به کارهای خلاف و استفاده غیرقانونی آنان از مقام و اختیارات اداری خویش برای منافع شخصی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عواملی است که زمینه‌ساز بروز مشکلات فراوان در کشورهای جهان شده است. بدیهی است لازمه بقا و استمرار یک دولت کارآمد و اثر بخش، مبارزه با فساد است و فساد یک مانع جدی بر سر راه توسعه و پیشرفت کشورها است و بدون مبارزه همه جانبه با آن نمی‌توان به توسعه و پیشرفت امیدوار بود.

فساد اداری قدمتی به اندازه دولت دارد. با پیدایش حکومت در شکل ابتدایی، فساد اداری نیز به شیوه‌ها و اشکال مختلف خود را نشان داده و موقعیت و اثر بخشی دولت‌ها و حکومت‌های مختلف را به چالش کشیده است. هرچند فساد یک معضل جهانی است و هیچ کشور از آن مصون نیست، اما فساد اداری در کشورهای صنعتی نسبت به کشورهای در حال توسعه کم‌تر اتفاق می‌افتد، لذا سلامت اداری در آن کشورها یکی از نشانه‌های توسعه‌ای بنیادین محسوب می‌شود، در تجربه ثابت شده که کشورهای توسعه یافته، پیشرفت‌های شان را مدیون و معلول سلامت اداری شان می‌باشد.

از این رو، یکی از شاخص‌های تمایز میان کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته، بر خورداری از نظام‌های اداری سالم و غیرسالم می‌باشد. از طرف دیگر فساد اداری پدیده چند بعدی و ناشی از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی است؛ یعنی نوع سازمان، ساختار حقوق و ترتیبات اداری، ساختار تشکیلاتی، نیروی انسانی و عوامل فرهنگی، اجتماعی و ساختارهای اقتصادی به‌عنوان محیط بیرونی یک نظام در فساد اداری و سلامت اداری مؤثر هستند (خلف خانی، ۱۳۸۸: ۱۳).

## الف: مفهوم شناسی

از آن جهت که تبیین و تعریف کلید واژه‌ها در فهم مطالب نقش اساسی دارند نیازمند است قبل از پرداختن به اصل بحث، مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع این نوشتار مورد بررسی قرار گیرند:

### ۱) نهادهای سیاسی

پایه‌های دموکراسی را اصل تفکیک قوا و وجود رسانه‌های آزاد و تعدد فعالیت‌های احزاب سیاسی تشکیل می‌دهند، از این رو، در نظام‌های دموکراسی، مبتنی بر اصل تفکیک قوا، نظام سیاسی علاوه بر داشتن نهادهای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه که در حقوق اساسی به نهادهای سیاسی تعبیر می‌شود، متکی به رسانه‌های آزاد و سیستم انتخاباتی بر اساس رقابت سالم احزاب و گروه‌های سیاسی نیز می‌باشد. بر این اساس نهادهای سیاسی به تأسیسات مستقر اطلاق می‌شود که به زندگی سیاسی مربوط‌اند (قاضی، ۱۳۸۳: ۴۰). نظام سیاسی افغانستان مبتنی بر اصل تفکیک قوا است، دارای نهادهای سه‌گانه‌ای مجریه، مقننه و قضاییه می‌باشد. چنان‌که واضح و

روشن است که حاکمیت یک نظام سیاسی کارآمد باعث تحول و پیشرفت جامعه می‌شود، زیرا نظام سیاسی در جامعه مسئولیت‌های مختلف و گوناگونی را بر عهده دارد که از جمله‌ای آن‌ها اعمال اداری می‌باشد، همان‌طوری که استحکام و صلابت نظام سیاسی مدیون ساختار و نهادهای سالم می‌باشد، نظام اداری آن نیز نیازمند سازمان‌های منسجم و کارآمد و نیروهای انسانی فعال و امکانات درست می‌باشد، زیرا نظام اداری سالم در یک کشور مکمل نظام سیاسی آن می‌باشد، از این‌رو، اهمیت و کارآیی قوانین و حقوق اداری کشورها کم‌تر از قانون اساسی و حقوق اساسی آن‌ها نمی‌باشد، زیرا نهادها و سازمان‌های اداری بازوان اجرایی نهادهای سیاسی به حساب می‌آیند، بر این اساس، سلامت و عدم سلامت نهادهای سیاسی نقش مهمی در سلامت و عدم سلامت نهادهای اداری دارند، سلامت نهادهای سیاسی موجب سلامت نهادهای اداری خواهد شد.

## ۲) مفهوم اداره

تعریف اداره از نظر سازمانی عبارت است از مجموع سازمان‌های اداری اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی که با تمام امکانات موجود اعم از امکانات مادی و انسانی، اهداف اداره را تحقق می‌بخشند (موسی‌زاده، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۶). بنابراین، واژه اداره از نظر مفهومی، دارای دو رکن اساسی می‌باشد یکی مجموع از فعالیت‌ها و خدماتی که به وسیله سازمان‌های عمومی ارائه می‌گردد، دوم مجموعه امکانات و اشخاصی که در یک سازمان وجود دارند و در راه اهداف آن کار می‌کنند. رکن اول مفهوم اداره یک مفهومی کاربردی است که اشاره به اهداف و مقاصد اداره دارد بیش‌تر به اهداف و کارکرد و خدمات یک اداره و سازمان مربوط می‌شود و در حقوق اداری برای اداره یا سازمان‌های اداری دو هدف عمده مورد توجه است؛ یکی حفظ نظم عمومی و دوم انجام خدمات عمومی، از سوی دیگر هر اداره و سازمانی متناسب به اهداف خود نیاز شدید به امکانات مادی و نیروهای متخصص انسانی دارد. از مهم‌ترین اهداف یک دولت کارآمد حفظ نظم عمومی و انجام خدمات عمومی است لاجرم هر دولت مردمی و مردم سالار برای تحقق اهداف عمومی خود، به سازمان‌های اداری که هم از امکانات مادی خوبی برخوردار باشند و هم دارای نیروی‌های انسانی متخصص و کارآمد باشند نیازمند است.

## ۳) مفهوم فساد یا تخلف اداری

هرچند فساد امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش‌های یک جامعه است اما در طول تاریخ، مردم در شناسایی برخی از رفتارها به‌منزله فساد اتفاق نظر دارند. و بیش از بخش خصوصی در دستگاه دولتی مطرح می‌شود و در یک محیط فساد اداری است که حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و حقوق مسلم ارباب رجوع به آسانی پایمال و یا به ناحق به دیگری واگذار می‌شود. مسئولیت‌ها و اختیاراتی که بر طبق قانون به کارمندان دولت تفویض شده است، در بسیاری از موارد زمینه مساعدی را برای سوء استفاده فراهم می‌کند

(عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۱۳۹). فساد همان سوء استفاده از موقعیت شغلی برای منافع شخصی است، از جمله مصادیق فساد عبارتند از: دریافت رشوه برای تسریع در انجام کار، یا نادیده گرفتن قوانین و مقررات یا ممانعت از اجرایی قوانین، اختلاس، سرقت (فرچ‌پور، ۱۳۸۱: ۱۶). در میان جرایم، فساد اداری از مخرب‌ترین و قبیح‌ترین اعمالی است که در حد وسیع همه‌ای افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌جهت نیست هنگامی که فساد اداری در یک کشور به صورت نظامند در می‌آید و نهادینه می‌شوند نظام اقتصادی آن جامعه را فلج می‌نماید، با توجه به مصادیق فراوان و مختلف فساد، تعریف جامع برای آن غیر ممکن به نظر می‌رسد، به همین جهت برای فساد تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته از جمله:

۱- استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری یا دولتی برای نفع شخصی.

۲- سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب سود شخصی.

۳- رشوه خواری یا هر نوع رفتار دیگر در برخورد با افراد مسؤل.

۴- یک کارمند یا مسؤل دولتی هنگامی مرتکب فساد اداری شده است که در اتخاذ تصمیمات اداری تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و دوستی‌های اجتماعی قرار گرفته باشد. وجه مشترک این تعاریف نقض یا تغییر در قوانین برای رسیدن به نفع فردی، گروهی یا خانوادگی است (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۶). اما تعریف جامع برای فساد عبارت است از: «سوء استفاده اشخاص از مقام و قدرت به امانت داده شده به نفع اهداف شخصی» این تعریف هم نهادهای خصوصی را و هم نهادهای دولتی را و هم اشخاص حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد (دادخواهی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۴).

## **ب) انواع فساد اداری**

فساد اداری هم در درون نهادها و سازمان‌ها مطرح است و هم در بیرون از نهادها و سازمان‌ها، از طرف دیگر فساد دارای مصادیق فراوانی است که غیرقابل احصا می‌باشد و از سوی دیگر مصادیق فساد بستگی به نظام ارزشی و فرهنگی یک جامعه دارند، بر این اساس، مصادیق فساد ممکن است از جامعه‌ی به جامعه دیگر، متفاوت باشند، از این‌رو، بهتر آن است که برای سهولت امر مبارزه با فساد اداری، مصادیق فساد در دسته‌های مختلف تقسیم بندی گردد، به همین جهت به یک اعتبار فساد اداری به دو دسته عمده قابل تقسیم می‌باشد، یکی فساد اداری در درون دولت و دوم فساد اداری در روابط دولت با شهروندان:

### **۱) انواع فساد اداری در درون دولت**

در درون دولت مصادیق فراوانی از فساد را می‌توان بر شمرده مانند، استفاده شخصی از وسایل و اموال دولتی، کم‌کاری، گزارش مأموریت کاذب، صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی، دزدی مواد اولیه و مواد مصرفی متعلق به دولت توسط کارمندان، کارکنان و پرسنل دولتی. استفاده از امکانات

اداری برای پیش‌برد اهداف سیاسی توسط کارمندان عالی رتبه و سیاست‌مداران، فساد سیاست‌مداران و کارگزاران دولت (تصویب یا تدوین قوانین، طرح‌ها، بخش‌نامه‌ها، یا دستورالعمل‌هایی که ناظر بر منافع اشخاص، گروه‌ها و احزاب خاصی است). فساد در توزیع حقوق و مزایا و فرصت‌های شغلی بین کارمندان، اختلاس و سوء استفاده مالی، این گونه موارد از جمله‌ای فساد اداری در درون دولت می‌باشند.

## ۲) انواع فساد اداری در روابط دولت با شهروندان

در روابط دولت با شهروندان نیز مصادیق فساد اداری پرشمار می‌باشد مانند: فساد در ارایه کالاها و خدمات دولتی، فساد در فروش اموال و املاک دولتی به شهروندان، فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی، فساد در قراردادهای پیمان‌کاران بخش خصوصی با دولت، فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خصوصی، فساد مالی و رشوه‌خواری، فساد استخدامی، فساد در شناسایی و مبارزه با قانون شکنی، مصادیق روشنی از فساد اداری در روابط دولت با شهروندان می‌باشند (فرچ‌پور، پیشین: ۱۶-۱۷).

در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان فساد را به دو دسته زیر دسته‌بندی نمود:

۱. فساد خرد: چنانچه به کارکنان خدما ملکی (که ممکن است شریف و نجیب باشند) رشوه‌های اندک پیشنهاد شود و آن را در جهت رفع مشکلات تغذیه و تحصیل خانواده خود رد نکنند به این‌گونه موارد فساد خرد می‌گویند مانند فساد کارمندان جزء، مثل افراد پلیس و مأموران گمرکی.

۲. فساد کلان: شامل فساد مسئولان سطح بالای دولتی و امور عمومی و سیاست‌مداران می‌شود که در قراردادهای و پروژه‌های بزرگ که جنبه ملی دارند اعمال نظر می‌کنند و سودهای کلان به دست می‌آورند.

بنابراین، فساد رؤسای دولت، وزیران و کارمندان عالی رتبه را فساد کلان می‌گویند، فساد کلان فسادی است که توسط افراد و مقامات رده بالای اداری، به صورت بانندی و با ارقام قابل توجه صورت می‌گیرد. مرتکبان این نوع فساد، جزو گروه مجرمان یقه سفید و از صاحبان زر و زور هستند و با آن‌که زیان‌ها و خسارات غیرقابل جبرانی بر پیکر جامعه وارد می‌سازند، کم‌تر تحت تعقیب دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرند (ذاکر صالحی، پیشین: ۲۲؛ عباس‌زادگان، پیشین: ۱۹-۲۰).

## ج: تأثیر نهادهای سیاسی حکومتی در نظام اداری افغانستان

برای اصلاح و سلامت اداری و از میان برداشتن فساد از تمام ارکان حکومت و سازمان‌های دولتی و خصوصی وجود یک اتفاق نظر در بین نیروهای عمده سیاسی مانند نهادهای مجریه و مقننه و قضاییه و احزاب سیاسی لازم و ضروری است. از این‌رو، ضرورت دارد که تأثیرگذاری هرکدام از نهادهای سیاسی افغانستان نسبت به سلامت و فساد نظام اداری در این کشور به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند:

## ۱) تأثیرگذاری نهاد اجرایی در سلامت و فساد اداری افغانستان

### ۱-۱. کارآیی قوه مجریه در سلامت اداری

یکی از عوامل سیاسی مؤثر در کنترل یا گسترش فساد در جامعه، میزان عزم سیاسی سیاستمداران و حمایت آن‌ها از مبارزه با فساد می‌باشد. چنانچه این عزم و حمایت وجود نداشته باشد، برنامه مبارزه با فساد در جامعه موفقیت‌آمیز نخواهد بود و انواع محدودیت‌های قانونی، تبانی‌های سیاسی پشت پرده و نبود حمایت‌های معنوی در نهایت مبارزه با فساد را با شکست مواجه خواهد ساخت (فرچ‌پور، پیشین: ۸۴). از این‌رو، کارآیی قوه مجریه در سیاست‌گذاری و قدرت اجرایی نسبت به مبارزه با فساد اداری بسیار قابل توجه می‌باشد. دولت یا همان قوه مجریه نقش اساسی نسبت به کاهش فساد اداری دارد، زیرا سازمان‌های عمومی و خصوصی زیر نظر قوه مجریه عمل می‌نمایند و سازمان‌هایی اجرایی بدنه اصلی دولت را تشکیل می‌دهد؛ اگر رییس جمهور و کابینه وزیران مصمم باشند و اراده قوی و جدی علیه مبارزه با فساد اداری را داشته باشند، قطعاً فساد اداری در ادارات و سازمان‌های عمومی و خصوصی کشور افغانستان بسیار کاهش پیدا می‌کند. بر اساس همین واقعیت مجامع جهانی از جمله بانک جهانی اعتقاد دارند که مهم‌ترین راهبرد مبارزه با فساد از سوی تصمیم‌گیران سیاسی تدوین می‌شود (عباس‌زادگان، پیشین: ۵۹). بنابراین، قوه مجریه که یکی از نهادهای مهم سیاسی و رکن رکین قوایی سه‌گانه نظام سیاسی به حساب می‌آید.

رییس جمهور افغانستان تحت فشار مجامع بین‌المللی راجع به فساد اداری گسترده در ادارات افغانستان مجبور شد فرمان ۶۱ را در رابطه به فساد اداری صادر نماید. این فرمان ایجادکننده اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری بود.

اگر این کمیسیون مبارزه با فساد یک نهاد مستقل با اختیارات شناسایی، نظارت، بررسی، تحت پیگرد قانونی قراردادن، پیش‌گیری از فساد، ارایه آموزش‌های لازم در مورد اثرات و پیامدهای منفی فساد و نیز معرفی این نهاد در مبارزه با فساد به عموم مردم باشد، چنین نهاد و کمیسیونی در امر مبارزه با فساد اداری موفق خواهد بود.

جای امیدواری است که دولت افغانستان با اراده سیاسی قوی و هم‌کاری تمام نهادهای سیاسی بتواند فساد اداری گسترده‌ای را که در این کشور حاکم است، مهار نماید و با سازوکارهای قانونی و با استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها که در این عرصه موفق بوده‌اند؛ ریشه فساد اداری را بخشکاند، زیرا فساد مانع بزرگ در راه انکشاف و توسعه این کشور محسوب می‌شود.

نظام سیاسی افغانستان در امر مبارزه با فساد اداری و کنترل آن می‌تواند از تجربه‌های سنگاپور و هنگ کنگ استفاده نماید، زیرا این دو کشور نسبت به کنترل و مهار فساد اداری بسیار موفق بوده‌اند، هنگامی که حزب عمل

مردمی در ژوئن سال ۱۹۵۹ بر سرکار آمد، با یک سیستم اداری استعماری و فساد زده مواجه شد. این حزب تشخیص داد که برای به حداقل رساندن فساد در حوزه خدمات عمومی سنگاپور باید کاری انجام دهد، پس از مدتی دولت تدابیری چندی را برای کنترل فساد به مرحله اجرا گذاشت، قانون جدیدی برای جلوگیری و کنترل فرصت‌های موجود برای فساد و افزایش شدت مجازات برای عاملان فساد، تدوین نمود. در عین حال اختیارات جدیدی به دفتر بازرسی نظارت بر فساد اعطا کرد، روشن است که راهکار ضد فساد سنگاپور مؤثر بوده است چرا که برای بر طرف کردن دو عامل عمده فساد یعنی برای بین بردن انگیزه‌های فساد و جلوگیری از فرصت‌های جرم‌زا و فساد آلود، راهکارهای بسیار موفق و مؤثری را تدارک دیدند.

## ۲-۱ تأثیر قوه مجریه در فساد اداری

قوه مجریه می‌تواند نقش اساسی در توسعه و گسترش فساد اداری داشته باشد، اگر ارکان اصلی قوه مجریه که رییس جمهور و کابینه وزیران باشد خود تمایل به فساد مالی داشته باشند در چنین وضعیتی اصلاً مبارزه با فساد اداری مفهوم ندارد در این صورت فساد به صورت سازمانی گسترش پیدا می‌نماید و تمام بدنه دولت را فساد مانند ویروس مبتلا می‌نماید و کارکنان خدمات ملکی با تأثیرپذیری از مقام مافوق با خیال آسوده به فساد اداری دامن می‌زنند، زیرا فساد در مدیریت عمومی باعث ایجاد عدم تعادل در ارایه خدمات می‌شود و قابلیت‌های نهادی حکومت را از بین می‌برد، و منابع و امکانات بلعیده می‌شوند (فرج‌پور، پیشین: ۸۴).

قوه مجریه در نظام سیاسی افغانستان که سیاست‌های کلی نظام را در بخش‌های مختلف بر عهده دارد ممکن است از یک زاویه از جهت سیاست‌گذاری دچار فساد گردد که از این نوع فساد به عنوان فساد سیاسی یاد می‌شود، و از زاویه دیگر برای اجرای سیاست‌های کلی خود که نیاز به وزارت خانه‌ها و سازمان‌های مختلفی دارد ممکن است از جهت اداری و سازمانی دچار فساد اداری گردد.

بنابراین، فساد اداری قوه مجریه در نظام سیاسی افغانستان هم مربوط به ساختار اداری آن می‌شود و هم مربوط به بخش فعالیت‌های آن؛ باید توجه داشت که در هر کشوری منابع عمومی و هزینه‌های دولتی در دو مقوله بسیار چشم‌گیر و قابل توجه است. یکی در ارتباط با خریدهای دولتی و دوم در مورد خدمات عمومی و دولتی، از این رو، هم ساختار اداری قوه مجریه و هم مجموع عمل‌کردها و فعالیت‌های آن در ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌های فساد مالی و اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد که در سه مورد به آن اشاره می‌گردد:

### ۱-۲-۱. فساد در بخش خریدها و هزینه‌های عمومی

یکی از دلایل نگرانی از وجود فساد در خریدهای دولتی و نیز در فروش اموال دولتی آن است که مقادیر عظیمی از منابع عمومی در این دو زمینه اختصاص پیدا می‌نماید، در جهان به طور متوسط بیش از ۱۰ درصد از بودجه دولت‌ها صرف هزینه‌های عمومی مربوط به خریدهای دولتی می‌گردد که امکان سوء استفاده مالی از

سوی مأموران دولت بسیار است. به اشکال مختلف احتمال وقوع فساد از سوی کارمندان دولت در این قسمت وجود دارد:

۱- وسایل مورد نیاز به قیمت گران با تبانی با فروشنده کالا خریداری می‌گردد که فروشنده کالا درصد از قیمت فروش کالا به قیمت گران را به مأموران به‌عنوان رشوه می‌پردازد.

۲- یا فساد به این‌گونه است که مأموران دولتی کالاها و خدمات که مورد نیاز دولت نیستند را خریداری می‌نمایند و درصدی را از مشتری به‌عنوان رشوه دریافت می‌کند.

۳. یا این‌که بیش از نیاز سازمان یا دستگاه دولتی کالا و خدمات خریداری می‌گردد.

۴. یا این‌که کالا و خدماتی خریداری می‌گردد که از کیفیت و استاندارد مطلوب و لازم برخوردار نیست (فرج‌پور، پیشین: ۱۳۲). در سیستم اداری افغانستان بیش‌ترین فساد مالی و اقتصادی از همین نوع می‌باشد، در مورد خریدهای دولتی نظارت دقیق و سیستماتیک صورت نمی‌گیرد.

#### ۲-۲-۱. فساد در بخش خدمات عمومی (آموزشی و درمانی)

در بخش ارایه خدمات عمومی به مردم می‌توان سه نوع سیستم را فرض کرد، یکی کاملاً دولتی یعنی فقط دولت خدمات عمومی را بر عهده دارد، دوم ارایه خدمات عمومی به بخش خصوصی واگذار می‌گردد و سوم هم دولت و هم بخش خصوصی به انجام خدمات عمومی مشغول هستند. بر اساس نصوص و روحیه قانون اساسی افغانستان، سیستم خدمات دهی هم از سوی دولت صورت می‌گیرد و هم به بخش خصوصی سپرده شده است، فساد در بخش خدمات عمومی نیز وجود دارد که نیاز به مطالعه میدانی دارد.

#### ۳-۲-۱. فساد در بخش ساختار اداری

یکی از علت‌های فساد اداری در بدنه اصلی دولت و قوه مجریه نظام اداری متمرکز می‌باشد، نظام اداری افغانستان مبتنی بر عدم تراکم و عدم تمرکز اداری یعنی در حقیقت یک نوع نظام مختلط و مرکب از خصوصیات هردو نظام متمرکز و غیر متمرکز می‌باشد. و اکثر خصوصیات که برای یک نظام غیرمتمرکز لازم است، برای اداره محلی افغانستان نیز در نظر گرفته شده است، اما حقیقت تلخ این است که دولت افغانستان به شمول هردو قوه مجریه و مقننه تا هنوز نتوانسته اند و یا نخواسته اند احکام قانون اساسی را در این رابط تطبیق نمایند و ساز و کار لازم را برای نظام اداری غیرمتمرکز و یا حداقل غیرمتراکم به‌وجود بیاورند. در واقع ما هنوز با یک خلأ فکری و علمی مواجه هستیم و هنوز توانایی لازم حقوقی و اداری پدید نیامده که اجراءات ما مطابق اصول علمی و حقوقی متداول در دنیا تنظیم گردد (دانش، ۱۳۹۲: ۱۸۶).



یکی دیگر از ضعف اداری افغانستان در این است که رییس جمهور در بخش اجرایی در قبال پارلمان مسئولیت ندارد فقط و زرای او در قبال اعمال شان در برابر شورای ملی پاسخگو می‌باشند، در حالی که ممکن است در بخش هدایت و رهبری وزیران اشتباهات اساسی صورت بگیرد و مقصر اصلی رییس جمهور باشد، ممکن است وزیر او هیچ‌گونه تقصیری نداشته باشد، در این صورت می‌بایست رییس جمهور باید پاسخگو باشد که نیست. رییس جمهور مسئولیت نصب مدیران ارشد بعضی از نهادهای مهم کشور را مانند بانک مرکزی، ریاست امنیت ملی و سره میاشت با تأیید ولسی جرگه را بر عهده دارد و باید بر اعمال آن‌ها نظارت داشته باشد که ندارد و هم‌چنین نهادهای مهم دیگر زیر نظر رییس جمهور اداره می‌شوند مانند: ریاست شاروالی کابل، ریاست آکادمی علوم، ریاست المپیک، ریاست مبارزه با بلایا، ریاست کنترل و محاسبه، ریاست مبارزه با فساد، این همه بار مسئولیت‌های مختلف بر عهده یک نفر قطعاً بستر فساد اداری را فراهم می‌سازد.

از این رو، می‌توان به چند موارد فساد، در قوه مجریه‌ای افغانستان به‌طور مشخص اشاره کرد، مقامات رده بالا یا شخصیت‌های سیاسی با نفوذ در نظام سیاسی افغانستان، در قبال دریافت رشوه جریان تصویب پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به سمت شرکت‌های داخلی یا خارجی معینی هدایت می‌کنند و یا سرمایه‌گذاری‌های دولتی را به سمت زادگاه سرزمین آبا و اجدادی خود سوق می‌دهند، هم‌چنین رشوه به قوه مجریه از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شرکت‌های خصوصی برای تسریع کار در امور و یا نادیده گرفتن قوانین و مقررات افغانستان و یا پرداخت رشوه برای جلب هم‌کاری و اعمال تبعیض در اعطای فرصت‌ها و امکانات دولتی به بخش خصوصی، صورت می‌گیرد و هم‌چنین خصوصی سازی افسارگسیخته عامل دیگر مولد فساد اداری و مالی در افغانستان بوده است، از این رو، عدم برنامه ریزی دولت افغانستان در عرصه خصوصی سازی یکی از عوامل مهم در گسترش فساد مالی و اقتصادی و اداری در این کشور محسوب می‌شود، زیرا که اگر اصلاحات و طراحی سیستم اقتصادی و خصوصی سازی بدون یک برنامه‌ریزی اساسی و عملی و فاقد نظارت‌های دقیق انجام گیرد نه تنها سبب کاهش فساد مالی نمی‌شود بلکه زمینه‌های بیش‌تری را برای فساد مالی فراهم می‌نماید، بر اساس همین واقعیت صاحب نظران مهم‌ترین اجزایی یک استراتژی خصوصی سازی را عبارت می‌دانند از موارد زیر:

۱- ایجاد آگاهی و شناخت گسترده در مورد خصوصی سازی و اهداف اصلی آن از طریق انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و ارتباطات.

۲- گسترش شفافیت و مسئولیت پذیری در فرایند خصوصی سازی.

۳- تعریف و تعیین حقوق و تعهدات مشارکت کنندگان خارجی در برنامه‌های خصوصی سازی.

۴- تعبیه حفاظت‌های حمایتی به‌منظور جلوگیری از سوء استفاده مالکان جدید بعد از انجام خصوصی سازی.

۵- تنظیم رویه‌های بازرسی و نظارتی برای دوران پس از انجام خصوصی‌سازی (ذاکرسالحي، پیشین، ۴۷). متأسفانه هیچ‌کدام از این عناصر در روند بازسازی و خصوصی‌سازی در افغانستان از سوی دولت و قوه مجریه رعایت نگردید و سرانجام زمینه‌ای فساد مالی و اقتصادی گسترده را در این کشور فراهم آورد و تمام کمک‌های مالی کشورهای خارجی به یغما رفت.

## ۲) تأثیرگذاری نهاد مقننه در سلامت و فساد اداری افغانستان

هرچند وظیفه اصلی پارلمان قانون‌گذاری است، اما این نهاد مردمی و ملی می‌تواند هم نسبت به سالم سازی فعالیت‌های سیاسی و هم نسبت به سلامت نظام اداری کشور از طریق نظارت و قانون‌گذاری‌های متناسب نقش کلیدی و ارزنده‌ای را ایفا نماید. قوه مقننه در فعالیت اصلی خود که قانون‌گذاری است به هیچ وجه تابع مقررات حقوق اداری نمی‌باشد بلکه بر تصمیمات سازمان‌های اداری تأثیرگذار می‌باشد، البته همین نهاد در درون خود دارای تشکیلات اداری است از این جهت تابع قوانین اداری است. لذا این نهاد خود از دو جهت ممکن است گرفتار فساد گردد، یکی از جهت قانون‌گذاری و دوم از جهت اداری و سازمانی که باید مورد توجه قرار گیرد.

قوه مقننه از طریق‌های مختلف می‌توان نقش مهم نسبت به کاهش و ریشه کن کردن فساد اداری در جامعه داشته باشد، مهم‌ترین راه‌های که پارلمان یا همان شورای ملی که می‌تواند در سالم سازی نظام اداری کشور نقش سازنده‌ای ایفا نماید از طریق موارد ذیل است:

### ۱-۲. تدوین قوانین جزایی متناسب

پارلمان افغانستان از طریق قانون‌گذاری متناسب می‌تواند نقش اساسی نسبت به کاهش فساد اداری داشته باشد به شرط آن‌که در این راه مصمم باشد و از طرق مختلف قانون‌گذاری و جرم‌انگاری به روز و دقیق می‌تواند با همکاری با قوه مجریه نسبت به این مسئولیت خطیر اقدام نماید، البته باید توجه داشت که فساد پدیده‌ای پویا و سیال است به گونه‌ای که به سرعت با تغییر شرایط تغییر شکل می‌دهد. مرتکبان به فساد همواره راه‌های فرار از قوانین موجود و سوء استفاده از آن‌ها را برای منافع شخصی خود شان می‌یابند، به عبارت دیگر همیشه در صدد دور زدن قوانین بر می‌آیند، آن‌ها از شیوه‌ها و فنون جدیدی برای رسیدن به مقاصد شوم خود استفاده می‌کنند به همین دلیل پارلمان هم باید پویا و کارآمد باشد که بتواند با وضع قوانین جدید و به روز و با تغییر قوانین قدیم و ناکارآمد با فساد مبارزه نماید زیرا در برخی موارد قوانین و مقررات جدیدی لازم است. هم‌چنین مطالعات و فعالیت‌های تحقیقاتی بیشتر برای به روز و کارآمدتر کردن قوانین مورد نیاز است (فرج پور، پیشین: ۴۱۰).

## ۲-۲. تدوین قوانین اداری متناسب

یکی از علت‌های فساد اداری در افغانستان عدم رشد حقوق عمومی از جمله حقوق اداری در افغانستان است. لذا برای نظام اداری قانون مدون وجود ندارد، شورای ملی با هم‌کاری قوه مجریه می‌تواند این ضعف را جبران نماید و با تدوین قانون اداری مدون می‌تواند سازوکارهای مناسبی برای کنترل و کاهش فساد اداری اتخاذ نمایند. حقوق اداری در واقع مکمل حقوق اساسی است. قوه مجریه در عین این‌که موضوع حقوق اساسی است موضوع حقوق اداری هم است زیرا از این جهت که این نهاد اعمال سیاسی و خط و مشی کلی کشور را انجام می‌دهد تابع حقوق اساسی است، اما از این جهت که در رأس هرم سازمان اداری کشور قرار می‌گیرد و مسئول اجرای سیاست‌های کلی است حفظ نظم عمومی و خدمات عمومی را انجام می‌دهد تابع قواعد حقوق اداری است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۹: ۶). هرچند به‌طور کلی یکی از مشکلات حقوق اداری که بیان‌گر نوپایی آن هم است عدم تدوین حقوق اداری در قالب مجموعه قوانین واحد و مدون در تمام کشورها است و همه‌ای کشورها از این جهت دچار خلأی حقوقی می‌باشند به همین جهت تا هنوز در اکثر کشورها حقوق اداری به عنوان مجموعه مقررات اداری به شکل آیین نامه‌ها، تصویب‌نامه روابط بین سازمان‌های اداری و مردم را تنظیم می‌نماید (موسی‌زاده، پیشین: ۳۴).

برای تدوین اصول کلی حقوق اداری می‌توان از قانون اساسی که قانون مادر است کمک گرفت اصول حقوق اداری در قانون اساسی عبارت انداز: اصل بی‌طرفی، مطابق ماده ۵۰ قانون اساسی؛ دوم اصل جبران خسارت بدون موجب، بر اساس ماده ۵۱ قانون اساسی؛ سوم اصل دسترسی به معلومات از اداره مطابق ماده ۵۰ قانون اساسی؛ چهارم اصل عدم تبعیض بر اساس ماده ۲۲ و ماده ۵۰؛ پنجم اصل رعایت حقوق بشر مطابق ماده ۷ قانون اساسی، بنابراین، فقدان قانون عام اداری یکی از خلأهای حقوق عمومی در کشور ما است از این جهت تدوین مقررات عام اداری در قالب قانون مصوب شورای ملی ضروری است (حسینی، ۱۳۹۲: ۳۴۳).

## ۲-۳. نظارت پارلمان (نظارت سیاسی) بر اداره

کنترل و نظارت بر دستگاه اداری موضوعی است بسیار مهم که شورای ملی از این طریق می‌تواند در جلوگیری از مفاسد اداری نقش اساسی داشته باشد، زیرا در نظام سیاسی افغانستان وزیران در مقابل پارلمان دارای مسئولیت پاسخ‌گویی می‌باشند و هر وزیری در مقابل اعمال وزارت‌خانه‌ای که سرپرستی آن را بر عهده دارد باید پاسخ‌گو باشد لذا اگر مجلس به وظیفه خود خوب عمل نماید می‌تواند تا حدودی از مفاسد اداری جلوگیری نماید، ثانیاً قوه مقننه از طریق کنترل و نظارت بر بودجه می‌تواند جلو مفاسد اداری را بگیرد.

## ۳ تأثیر نهاد مقننه در فساد اداری افغانستان

اگر قوه مقننه که نمایندگان ملت در آن جمع‌اند و مورد اعتماد و وکیل مردم هستند و دارای مسئولیت سیاسی و تقنینی می‌باشد، به وظایفش خوب عمل ننماید، فساد مالی و اداری در جامعه شیوع پیدا می‌کند،

مخصوصاً زمانی که مردم مشاهده کنند که خود نمایندگان از طریق زد و بندهای سیاسی گرفتار فساد مالی هستند و به مجرد وکیل شدن وضع مالی آنها تغییر می‌نماید و امتیازهای تجاری و مالی به دست می‌آورند، آنگاه امید و اعتمادی برای مردم باقی نمی‌ماند و فساد مالی تمام ارکان دولت و نظام و جامعه را فرا می‌گیرد، یکی از موارد که نمایندگان مردم را فاسد می‌نمایند دارا بودن شغل‌ها و وظایف مختلف در عرض نمایندگی است که متأسفانه در بین تعدادی از نمایندگان پارلمان افغانستان مشاهده می‌شود، تعدادی از آنها به کارهای تجاری هم مشغول می‌باشند. از سوی دیگر بسیاری از نمایندگان در هنگام رأی اعتماد به کابینه دولت خریدار می‌شوند و یا قوانینی را وضع می‌نمایند که تنها به نفع منطقه و قوم خاصی می‌باشند، رشوه دادن وزیران پیشنهادی رییس جمهور به پارلمان برای گرفتن رأی اعتماد یکی دیگر از موارد فساد در درون پارلمان می‌باشد.

یکی دیگر از مواردی فساد در شورای ملی یا قوه مقننه رشوه گرفتن نمایندگان از کشورهای خارجی و ذی‌نفع برای اعمال نفوذ و جهت دهی مجلس به سوی منافع خود شان می‌باشد. هم‌چنین رشوه دادن شرکت‌های خصوصی به نمایندگان برای تغییر قوانین به نفع گروه‌های خاص در بخش خصوصی نیز قابل توجه می‌باشد.

#### ۴) تأثیرگذاری قوه قضاییه در سلامت و فساد اداری افغانستان

فعالیت اصلی قوه قضاییه که قضاوت و دادگستری و مبارزه با ظلم و فساد و در پی احقاق حقوق مردم می‌باشد تابع مقررات اداری نیست، این نهاد در درون خود برای انجام وظایف دارای تشکیلات اداری می‌باشد که نیاز به مقررات اداری دارد، این تفکیک از این جهت ضروری است که دستگاه قضایی از یک جهت ممکن است دچار فساد قضایی شود و از جهت دیگر ممکن است دچار فساد اداری گردد، و این در صورتی ممکن است که به‌عنوان یک سازمان اداری دچار ضعف‌های ساختاری و اداری باشد.

#### ۴-۱. نقش کارآیی قوه قضاییه در سلامت اداری

نهاد قوه قضاییه در افغانستان وظیفه اصلی مبارزه با فساد اداری را بر عهده دارد در نظام اداری افغانستان برای رسیدگی به تخلفات و فساد اداری دادگاه اداری ویژه و اختصاصی تعریف نشده بلکه با پیروی از سیستم نظام تک‌نهادی قضایی، رسیدگی به تخلفات اداری نیز بر عهده دادگاه‌های عمومی است، لذا مسئولیت قوه قضاییه در نظام قضایی افغانستان دو چندان می‌باشد، این سیستم تک‌نهادی قضایی در صورتی سبب کاهش تخلفات و فساد ارادی می‌گردد، که بتواند با ایجاد مکانیزم‌های پیشرفته برای رسیدگی به تخلفات و فساد اداری با متخلفان اداری مبارزه نماید و دولت و قوه مقننه را در این راه مدد رساند. قوه قضاییه با برخورداری از ویژگی‌هایی مانند استقلال و کارآیی می‌تواند قاطعانه با مجرمان فساد مالی و اداری برخورد نماید، در این صورت می‌توان امیدوار بود که فساد مالی و اداری در جامعه کاهش پیدا نماید. نهادهای عدلی، قضایی و

نهاد سارنوالی و ستره محکمه در نظام قضایی افغانستان با این وظیفه خطیری که بر عهده دارند می‌توانند نقش مؤثر در راه مبارزه با فساد اداری داشته باشند.

از این‌رو، اثر بخشی و موفقیت قوه قضاییه در انجام وظایفش منوط به وجود سه ویژگی است:

#### ۴-۲. استقلال قوه قضاییه

نظام قضایی مستقل، بی‌طرف و خیره نقش مهمی در تحقق دولت درستکار، عادل، شفاف و پاسخ‌گو دارد. قوه قضاییه باید مستقل باشد، تا بتواند در مورد این‌که دولت و مستخدمان دولت از معیارهای تعیین شده در قانون اساسی و قوانین وضع شده توسط قوه مقننه پیروی می‌کنند یا خیر؟ ایفای نقش نماید، شیوه انتخاب قضات و ارتقای آنان در مستقل بودن این قوه بسیار حیاتی می‌باشد.

#### ۴-۳. قدرت اجرایی قوانین توسط قوه قضاییه

کارآیی قوه قضاییه بستگی به میزان قدرت اجرایی تصمیمات آن دارد؛ ممکن است قوه قضاییه تصمیماتی اتخاذ کند اما در عمل توسط دستگاه اجرایی، قدرت اجرا نداشته باشد و یا با موانع و کندی‌های رو به رو گردد، در این صورت این قوه از قدرت لازم و کافی برای اجرای قوانین برخوردار نخواهد بود.

#### ۴-۴. کارآیی قوه قضاییه

از جمله شاخص‌های مهم کارآیی قوه قضاییه، مدت زمان صرف شده برای بررسی و صدور حکم در مورد دعاوی و پرونده‌هاست وقفه زمانی زیاد، هزینه حل اختلافات را افزایش و دسترسی طبقات کم درآمد جامعه به آن را با مانع مواجه می‌سازد. طولانی شدن مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی، سیاسی و اداری سبب کاهش اعتماد عمومی و افزایش امکان اعمال نفوذها می‌گردد (فرج‌پور، پشین، ۷۸).

#### ۵) تأثیر قوه قضاییه در فساد اداری

به نظر می‌رسد یکی از عوامل عدم موفقیت حکومت افغانستان در راه مبارزه با فساد اداری حاکمیت نظام قضایی یگانه است، نظام قضایی افغانستان تابع وحدت محاکم می‌باشد، به تخلفات مالی و اداری نیز دادگاه عادی و عمومی رسیدگی می‌کند، در حالی‌که محاکم عمومی قضایی به‌خاطر نداشتن تخصص در امور اداری، برای رسیدگی به مفاسد اداری و اختلافات ناشی از مسایل اداری که پرشمار هستند نامناسب دانسته می‌شوند، از این‌رو، دولت‌ها ناگزیر برای رسیدگی دقیق و عادلانه این نوع مسائل، به تأسیس محاکم اختصاصی اداری روی آورده‌اند. علاوه بر آن، تخصصی شدن امور که به دلیل توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، روز به روز اهمیت و گسترش می‌یابد، اقتضا دارد دعاوی اداری در مراجع اختصاصی رسیدگی شود (محمدی تمکی، ۱۳۹۰: ۳۵۷). در حالی‌که در سیستم اداری افغانستان سازمان عدالت اداری برای رسیدگی به تخلفات و فساد اداری وجود ندارد از این‌رو، حقوق اداری هم هنوز در این کشور توسعه نیافته است. بنابراین، در افغانستان محکمه

اداری وجود ندارد که صلاحیت لغو مقررات و اعمال غیر قانونی ادارات را داشته باشد در کشور رسیدگی به دعاوی اداری به محاکم عادی ارجاع می‌شود که بسیار ناکارآمد است (حسینی، پیشین: ۳۴۴).

بنابراین، فساد در جامعه‌ای رشد می‌کند که نظام قضایی در آن ضعیف باشد، مخصوصاً که در طول تاریخ بشر قضاات در رشوه‌خواری و فساد مالی مشهور بوده اند، اگر در دستگاه قضایی مدیریت قوی نباشد و تخلفات قضایی نادیده گرفته شود، بسیاری از قضاات خود دچار فساد مالی و اداری می‌گردد، آنگاه از چنین قوه قضاییه‌ای چه انتظار است که با متخلفان اداری سازمان‌های دولتی و خصوصی برخورد نماید. با توجه به این‌که قوه قضاییه و سارنوالی وابسته به قوه مجریه است، بسیاری از متخلفان اداری مجازات نمی‌شود، از سوی دیگر چه بسا قضاتی که خود شان به فساد مالی گرفتار اند، بی‌جهت نیست که امروزه مردم افغانستان به دستگاه قضایی احساس خوبی ندارند و به آن به دیده‌ای تردید نگاه می‌کنند. از این‌رو، هنوز بسیاری از پرونده‌ها و دعوای حقوقی در افغانستان در دادگاه‌های محلی و مذهبی حل و فصل می‌شوند و این بیان‌گر این است که دستگاه قضایی از کاستی‌ها و از ضعف‌های زیادی رنج می‌برد.

#### ۶) تأثیر نهادهای سیاسی غیر حکومتی در نظام اداری افغانستان

نهادهای سیاسی غیرحکومتی به نهادهایی اطلاق می‌شود که در عین نهاد بودن و سیاسی بودن، ارگان دولتی نیستند. هرچند که به قدرت جهت می‌دهند ولی خود متصدی اجرای آن نمی‌باشند، احزاب سیاسی، سندیکاها و گروه‌های ذی نفوذ از این قبیل اند (قاضی، پیشین: ۲۸۶).

#### ۷) کارآیی نهادهای سیاسی غیر حکومتی در سلامت اداری افغانستان

۱- فعال بودن احزاب و تشکل‌های سیاسی مستقل و ناظر بر فعالیت و عمل‌کرد دولت باعث کاهش فساد در جامعه می‌شود، و وجود فضای سالم رقابتی بین گروه‌های سیاسی سبب می‌شود که از نهادینه شدن فساد جلوگیری گردد. بر اساس قانون اساسی افغانستان و هم‌چنین قانون انتخابات در این کشور چرخش قدرت باید بر اساس انتخابات آزاد صورت بگیرد، احزاب و گروه‌های سیاسی می‌تواند در یک جو رقابتی در انتخابات شرکت نمایند. از این‌رو، فعال بودن احزاب و تشکل‌های سیاسی می‌تواند در کاهش و کنترل فساد اداری نقش سازنده‌ای ایفا نمایند.

۲- گروه‌های ذی نفوذ: نقش مثبت گروه‌های اجتماعی مانند انجمن‌ها و اصناف و گروه‌های مذهبی را نمی‌توان در کاهش فساد اداری نادیده گرفت، فعال بودن تشکل‌های مذهبی و فرهنگی از طریق تبلیغات واقعی و آگاهی بخشی به مردم می‌تواند در کاهش و کنترل فساد در جامعه نقش کلیدی داشته باشند.

۳- رسانه‌ها: در جامعه دموکراسی رسانه‌ها جزو بدنه اصلی دولت محسوب می‌شوند لذا می‌توانند نقش اساسی و مثبت نسبت در کاهش فساد مالی و اداری در جامعه داشته باشند. رسانه‌های متعدد از یک‌سو برای

ایجاد دموکراسی ضروری است، از سوی دیگر رسانه‌ها می‌توانند نقش اصلی در ترویج ارزش‌های اخلاقی و تقویت دموکراسی و وحدت ملی و ایجاد جامعه مدنی و تکثرگرا داشته باشند.

#### ۸) تأثیر نهاد های سیاسی غیر حکومتی در فساد اداری افغانستان

فعالیت احزاب سیاسی و گروه‌ها و انجمن‌ها و تشکل‌ها و رسانه‌ها یکی از مؤلفه‌های دموکراسی به حساب می‌آید و هرکدام به سهم خود می‌توانند در سالم سازی نظام اداری کشور نقش اساسی داشته باشند اما ممکن است همین نهادهای سیاسی سبب جرم‌زایی و فساد اداری در جامعه گردد، پیامدهای منفی این‌گونه نهادها به این صورت است که تعدد احزاب سیاسی و رسانه‌ها بی‌حد و حصر در کشور مانند افغانستان می‌تواند تأثیر منفی بر روند دموکراسی و سلامت اداری داشته باشند. بنابراین، از هر حیث قابل تصور، کمک مالی دولتی به احزاب سیاسی و رسانه‌ها و تشکل‌ها و انجمن‌ها بهتر از بستن چشمان و آزاد گذاشتن آن‌ها به استفاده از شیوه‌های نادرست و غیرقانونی برای تأمین مالی فعالیت‌های شان می‌باشد. این کمک‌ها باید از دید افکار عمومی حدود مشخص و ضوابط تعیین شده‌ای داشته و بر اساس معیارهای تعریف شده عینی هم‌چون میزان نمایندگی و تعداد طرفداران مردمی، میان احزاب تقسیم گردد. احزاب سیاسی در اغلب کشورهای توسعه یافته از جانب دولت تأمین مالی می‌شوند (همان: ۱۰). بنابراین، برای کاهش و کنترل فساد اداری در افغانستان به نظر می‌رسد ملزم کردن احزاب سیاسی، رسانه‌ها و گروه‌های ذی نفوذ به ارائه گزارش وضعیت مالی آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد. در برخی از کشورها، کمیسیون‌های مجلس صورت‌های مالی احزاب و رسانه‌ها و تشکل‌ها را بررسی و تأیید می‌کند و چنانچه حزبی مرتکب تخلف شده باشد تحریم‌های را بر علیه آن اتخاذ می‌نمایند.

#### **نتیجه**

نهادهای سیاسی افغانستان نقش مهم در سلامت اداری و فساد اداری کشور دارد، و عواقب منفی فساد این نوع نهادها هم بسیار زیان‌بار می‌باشد، زیرا فساد نهادهای سیاسی تأثیر منفی و نابود کننده‌ای بر رشد سرمایه‌گذاری اقتصادی، عمل‌کرد مدیریتی و توسعه سیاسی دارد. تداوم فساد در نهادهای سیاسی افغانستان به بیماری اقتصادی کشور و هدر رفتن منابع مالی منجر شده و عمل‌کرد دولت را کاهش داده و اخلاق عمومی را در ادارات دولتی مخدوش می‌نماید. هم‌چنین فساد نهادهای سیاسی، تلاش‌های انجام شده در مورد اصلاحات اداری و مسئولیت‌پذیری را به مخاطره انداخته و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را، در این کشور دامن می‌زند. فساد نهادهای سیاسی، بی‌ثباتی و عدم توسعه سیاسی را تشدید می‌کند. به این ترتیب، فساد جلوی رشد اقتصادی را گرفته، رفتار مشارکتی را مختل کرده و باعث سوء استفاده از منابع ملی می‌شود. هم‌چنین فساد نهادهای سیاسی ظرفیت‌های مدیریتی و اداری کشور را کاهش داده و به اضمحلال جدی سیاسی کمک می‌نماید و در عین حال ثبات، دموکراسی و وفاق ملی را سست می‌نماید.

## فهرست منابع

۱. حسینی، سید علی، حقوق اداری افغانستان، کابل، انتشارات امیری، ۱۳۹۲.
۲. خلف‌خانی، مهدی، آسیب شناسی اجتماعی فساد اداری، تهران: تولید علم، ۱۳۸۸.
۳. دادخواهی، لیلا، فساد مالی اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۴. دانش، سرور، حقوق اداری افغانستان، کابل، مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا بلخی، ۱۳۹۲.
۵. ذاکر صالحی، غلام‌رضا، راهبردهای مبارزه با فساد اداری، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۶. طباطبایی، مؤتمنی، حقوق اداری، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۷. عباس‌زادگان، محمد، فساد اداری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۸. فرج‌پور، مجید، موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد، تهران: رسا، ۱۳۸۱.
۹. قاضی ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۳.
۱۰. محمدی، عبدالعلی، حقوق اداری افغانستان، تهران: مؤسسه عرفان، ۱۳۹۰.
۱۱. موسی‌زاده، رضا، حقوق اداری تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۷.